

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۱۰ می ۲۰۰۹
روز مادر

مادر افغان سیما و سمبول مظلومیت و برترین مجسمه دلآوری و شهادت



وظندار بجان برابرم!
وقتی به این عکس خیره مینگری، چه تصویری در ذهنت مجسم میگردد؟؟؟
اگر اجازه داشته باشم، برداشت خودم را از این "مجسمه مظلومیت - شهادت"، بیان نمایم؟
نیازی نیست بگویم که :

زن در سراسر دنیا زیر ستم است، اما ستمی که در جوامع اسلامی بر جنس "زن" رفته، حدیثیست سخت غمین و شاید غمین ترین. هیچ ضرورت ندارد، که از مظلومیت زن در ممالک اسلامی و خصوصاً در افغانستان، چیزی گفته شود. همه میدانند، که پشت زن در جامعه ما زیر چندین بار خم است؛ زیر بار عنعنات فرتوت، زیر بار مردسالاری، زیر بار دین و مذهب و درین چند دهه، زیر بار جنگ. سه بار اولین را زن افغان همیشه بدوش کشیده، اما بار گران جنگ لعنتی، این شانه "پولادوند" را در ظاهر خمیده ساخته است.
بدون شک که بیشترین و سنگین ترین بار جنگ و قربانی بدوش "زن افغان" بوده است؛ چون :

چون این "زن" بود که با خود مستقیم قربانی داد و با که باج قربانی دیگران را پرداخت؛ باج قربانی شوهر و پدر و مادر و خواهر و برادر و فرزند را.
ضرب المثلی داریم، مشهور که میگوید :

"انسان از سنگ سخت تر و از گل نازک تر است."

من صادقترین و بالاترین مصداق این "مثل" را در وجود "زن" می بینم؛ در وجود "زن افغان"، که نماد است "دوگانه" :

این پیکر "آب و گل"، از "رگ گل" نازکتر است. قلم نارسای من اما یارای بیان "رقت قلب" و "احساس لطیف" زن افغان را ندارد. پس میروم و حدیث سختسری و دلاوری و شهامت او را برمیکشم :

- "زن افغان" با دلی که از گل نازکتر است، به جنگ روزگار رفت و از "فولاد آبدیده" هم سخت تر بدر آمد
- این "زن افغان" بود، که به مژگان سنگ خاره را درید
- این "زن افغان" بود که در زیر سنگهای سنگین آسیاب آمد، و آرد نشد
- این "زن افغان" بود که در آتشی بالاتر از آتش جحیم خزید، و نسوخت
- این "زن افغان" بود که در اعماق بحر محیط فرو رفت، و غرق نگردید
- این "زن افغان" بود، که در حدقه * و محراق تندباد حوادث قرار گرفت، و نلرزید
آنچه را شعرای ما از صنعت مبالغه و غلو و اغراق پیش کشیده اند، هیچکدام نتواند عشر عشیر و کسر کسیری از شجاعت و شهامت و سختسری "زن افغان" را بیان نماید.

در طیف "زنان افغان"، مگر کسی هست، که "مظلوم ترین" و در عین حال "باشهامت ترین" هم هموست. این موجود "مظلوم"، مگر "دلیر" و "غیور"، "مادر" است، "مادر افغان"؛ مادری که نام گرامی خود را ثبت دفتر ایام کرد و جاودانه ساخت،

مادری که صد جان گرامی ما فدای یک تار موی او باد!!!!

وقتی این مختصر را به مناسبت "روز گرامی مادر" و در باره "مادر افغان" به پایان میرسانم، به یاد "مادرِ مادران" می افتم، که از "مادر افغان" به هزاران و هزاران هزار را تقدیم بشریت و تاریخ کرده است؛ و میدانی که "مادرِ مادران" کیست؟؟؟

"مادرِ مادران" همانا "مام وطن" است که مادر همه هم اوست!!!! و تا "مادرِ مادران" زنده است - که خداهش "زنده" و "حی" و "قیوم" دارد - هزاران هزار مادر با شهامت افغان را به جهان تقدیم خواهد کرد!!!!!!

توضیح :

* باد و باد تند و طوفان از نگاه فزیک بصورت "جبهه" و بحساب ریاضی بشکل "وکتور فیلد" پخش میشود. "جبهه" بدین سبب نامیده میشود، که سرعت و شدت باد و طوفان در همه نقاط آن یکسان نیست. ازینرو در ادبیات علمی و در هواشناسی وقتی از سرعت باد سخن گفته شود، از "سرعت ها" سخن گفته و "بالاترین سرعت" آن را معیار خشم تندباد و طوفان میدانند. نقطه ای که درین جبهه بالاترین سرعت و شدت را دارد، محراق و مرکز و هسته طوفان و باصطلاح المانی "چشم طوفان" Auge des Orkans نامیده میشود، و من برای جلوگیری از ترجمه باللفظ، آنرا "حدقه طوفان" نامیدم.